

## نقش اندیشه‌های انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی

عارف بیژن\*

کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبایی تهران

### چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی سبب شد که هم در ساختار و هم در کارکرد نظام بین‌الملل، تغییر و تحولات اساسی رخ دهد. انقلاب اسلامی توانست بازیگران نوینی را در نظام بین‌الملل به‌منصه ظهور برساند که از جمله آن‌ها جنبش‌های آزادی‌بخش و ملت‌ها هستند که به‌عنوان نقش‌آفرینان جدید، دیدگاه‌های آن‌ها می‌تواند بر دولت‌ها و روابط بین‌الملل تاثیرگذار باشد. بعد از تأسیس حکومت اسلامی، امام خمینی (ره) به عنوان سمبل ارزش‌های انقلاب اسلامی، براساس جهان‌شمول بودن دین اسلام، صدور انقلاب را از ضروریات بقا و جهانی شدن نهضت اسلامی برشمردند. از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)، مفهوم صدور انقلاب اسلامی شناخت ارزش‌های انقلاب اسلامی و رساندن آن به‌گوش تمامی بشریت، خصوصاً جهان اسلام، و جلب توجه مسلمانان به اسلام و قوانین اسلامی از طریق معرفی صحیح اسلام با تبلیغات، عمل مطابق با اسلام، عمل و اخلاق، شناساندن انقلاب به دنیا، دعوت به اسلام، صدور ارزش‌های انسانی، آشناسازی مستضعفان با حکومت اسلامی بود. انقلاب اسلامی ایران نیز توانست تأثیرات بسزایی در تحولات اخیر منطقه به‌خصوص موج بیداری اسلامی داشته باشد. نهضت‌های اسلامی رخ داده در منطقه، وام‌دار اندیشه‌های انقلاب می‌باشند. به‌طوری‌که رهبران این نهضت‌ها مشخصاً الگوی حرکت خود را انقلاب اسلامی ایران می‌دانند. بر این اساس این پژوهش بر آن است تا رابطه، اندیشه‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی را با بیداری اسلامی منطقه خاورمیانه به‌صورت دقیق و علمی مورد بررسی قرار دهد تا این تأثیرپذیری را به‌صورت مستند به اثبات برساند.

### کلید واژه‌ها

بیداری اسلامی، انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، صدور انقلاب، کارکرد.

انقلاب اسلامی سال 57 ایران در کنار همه دستاوردهای سیاسی، اجتماعی، ساختاری و تأثیرات شگرف بین‌المللی، نقطه عطف جهان‌بینی اسلامی بود. این رویداد بزرگ در بیداری مسلمانان جهان و نوزایی باورهای دینی نقش عمده‌ای ایفا کرد و در نهایت انقلاب اسلامی ایران به‌رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید. انقلابی که به‌واسطه ماهیت فراملی و اسلامی‌اش اولین جنبش انقلابی بود که بر مبنای ایدئولوژی اسلامی شکل گرفت. می‌توان عنوان کرد که انقلاب اسلامی ایران از جمله انقلابات منحصر به‌فرد و یگانه انقلابی می‌باشد که نظریه‌های انقلاب غرب از تحلیل مناسب ماهیت و مبانی آن عاجز می‌شوند (صادقی، 1389: 177). روزه گارودی، اندیشمند مسلمان فرانسوی در یکی از مقالات خود، انقلاب اسلامی ایران را این‌چنین توصیف می‌کند: به‌راستی انقلاب اسلامی که امام خمینی (ره) آن را رهبری کرد؛ به‌هیچ یک از انقلاب‌هایی که در قبل برپا گردیدند، شبیه نیست. در طول تاریخ انقلاب‌هایی بودند که به هدف تغییر نظام سیاسی برپا گردیدند. انقلاب‌های اجتماعی هم در جهان رخ داده است که نشانگر خشم فقرا علیه اغنیا بود، انقلاب‌های ملی هم خشم خود را علیه استعمارگران و غاصبان خالی کردند، اما انقلاب اسلامی ایران نیز دارای تمامی این انگیزه‌ها بود، این انقلاب علاوه‌بر موضوعاتی که گفته شد دارای معانی جدیدی بود که نه‌فقط حکومت سیاسی، اجتماعی، استعماری را سرنگون کرد، بلکه مهم‌تر از آن تمدن و جهان‌بینی خاصی را که در مقابل دین علم شده بود، واژگون ساخت. خانم تداسکاچ پل نظریه‌پرداز برجسته انقلاب‌ها، نیز انقلاب اسلامی ایران را انقلابی بی‌نظیر می‌داند که نقش فرهنگ و ایدئولوژی شیعه در وقوع آن بسیار برجسته بوده است و می‌نویسد: سقوط اخیر رژیم شاه ایران و به راه افتادن انقلاب ایران بین سال‌های 1977-1979 باعث تعجب ناگهانی ناظران خارجی از دوستان آمریکایی شاه گرفته تا روزنامه‌نگاران و متخصصین علوم اجتماعی از جمله افرادی مثل من که متخصص مسایل انقلاب هستم گردید (فراتی، 1379: 185). انقلاب اسلامی ایران نیز از ابتدا با به چالش کشیدن ایدئولوژی‌ها و تفکرات غربی و شرقی و سعی در کسب استقلال از آن‌ها، ملت‌های جهان به‌ویژه مسلمانان محروم و مظلوم را مورد خطاب قرار داد. از این‌رو رساندن پیام اسلام و انقلاب به تمام ملت‌ها به‌عنوان یک تکلیف و وظیفه انقلابی در دستور کار سیاست خارجی قرار گرفت.

بر این اساس صدور انقلاب طرحی است که جمهوری اسلامی ایران در پی ایجاد ارتباط با سایر ملت‌ها برای معرفی اصول و ارزش‌ها و تبیین اهداف و سیاست‌های خود است و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش کرد تا علاوه‌بر مسلط ساختن گفتمان انقلاب اسلامی در داخل، آن را به خارج از مرزهای جغرافیایی کشور تسری دهد. از منظر امام نیز مفهوم صدور انقلاب در واقع انتقال ارزش‌های معنوی و الهی آن و رساندن این رسالت به گوش جهانیان از طریق استفاده از امکانات و ابزارهای پیام‌رسانی می‌باشد که باید این هدف با استفاده از راهکارهای موجود مانند: دعوت و تبیین مفاهیم و معارف اسلامی در جهان، معرفی و تبیین فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی، فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای گفت‌گویی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، تقویت وحدت امت اسلامی، احیای فرهنگ اهل بیت (ع) و ترویج و گسترش زبان و ادبیات فارسی تحقق یابد.

بیداری اسلامی به‌عنوان یک آگاهی جمعی با تکیه بر اراده عمومی و متأثر از اسلام اصیل تحت مدیریت جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی تبدیل به رفتار سیاسی شده و در شکل یک ایده سیاسی سامان داده شده است. تئوریزه شدن این نهضت فکری مرحله فرمولیته‌ای را پشت سر گذاشته و به‌عنوان یک مدل سیاسی رخ نموده است. وضعیت معادلات منطقه‌ای در حرکت رو به جلوی خود همسو با منافع و مصالح اسلام و جنبش‌های اسلامی و کاملاً در تضاد با برنامه‌ها و آرمان‌های غرب در حال رقم خوردن است. این مسئله خود باعث تغییر موازنه قدرت به‌نفع جنبش‌های شیعه با

پشتوانه فرهنگی انقلاب اسلامی است. جبهه‌بندی فکری جدیدی میان جریان‌های اصیل اسلامی با آمریکا و جریان‌های وابسته با آن تشکیل شده و جهان اسلام با غرب در مرحله‌ای سرنوشت‌ساز که نیاز به درایت و مدیریت هوشمندانه‌ای دارد قرار گرفته است. غرب در نقطه اوج منحنی رشد خود دوران افول را آغاز کرده و در موضع انفعالی قرار دارد. اما نهضت بیداری جمهوری اسلامی در آغاز خیزش انقلابی به سرعت حرکت تکاملی را تجربه می‌کند. حرکتی که هر چه به پیش می‌رود به چشم‌انداز آرمانی خود نزدیک می‌شود و با اعتماد به نفس تمام در حال ویران‌سازی بنیادهای سیاسی و حقوقی غرب در منطقه است. بنابراین در این مقاله به بررسی نقش انقلاب اسلامی ایران و همچنین اندیشه‌های امام خمینی (ره) در برپایی موج بیداری اسلامی در منطقه خواهیم پرداخت. موج اسلام‌خواهی که بنا بر گفته بسیاری از رهبران آن متأثر از اندیشه‌های انقلاب اسلامی ایران و امام می‌باشد. سوال اساسی این است که با توجه به گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و مبادلات بین‌المللی و منطقه‌ای، نقش انقلاب اسلامی در تحولات بیداری اسلامی کشورهای منطقه خاورمیانه چگونه است؟ در پاسخ به این سوال، فرض مقاله حاضر این است که به‌رغم گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و حتی رحلت امام خمینی (ره)، این انقلاب تأثیری مثبت و تأثیرگذاری بر بیداری اسلامی کشورهای منطقه خاورمیانه داشته است. روش تحقیق هم توصیفی-تحلیلی خواهد بود.

## 2- مبانی نظری صدور انقلاب

### 1-2- مفهوم

تاریخچه واژه صدور انقلاب در ادبیات روابط بین‌الملل، از عهدنامه وستفاليا به بعد می‌رسد. صدور انقلاب نه تنها منحصر به انقلاب ایران نیست، بلکه به عنوان بخشی از رسالت برون مرزی همه انقلاب‌ها تلقی می‌گردد (محمدی، 1385: 60). صدور انقلاب ایران را می‌توان به معنای ترویج گفتمان انقلاب اسلامی دانست که به دلیل ماهیت جهان شمولی دین اسلام به نوعی متضمن آگاهی بخشی و رهایی بخشی دیگران است (دهقانی فیروزآبادی؛ رادفر، 1388: 128). در واقع انقلاب اسلامی فقط پدیده‌ای تاریخی نیست، بلکه آغازگر یک گفتمان جهان شمول و رهایی بخش و نویدبخش آزادی و مبارزه علیه ظلم در جهان بود. هدف از صدور انقلاب اسلامی در کوتاه مدت، وسیله‌ای برای دفاع از جمهوری اسلامی و تأمین امنیت آن به‌ویژه در خلیج فارس است و در درازمدت، وسیله‌ای برای استقرار نهایی نظم جهانی زیر چتر عدالت اسلامی است (رضائی، 1388: 65).

### 2-2- نظریه صدور انقلاب

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نظرات و دیدگاه‌های متفاوت و مختلفی از سوی جناح‌های مخالف و موافق در مورد صدور انقلاب مطرح شد که به طور کلی می‌توان همه آن‌ها را در سه گروه تقسیم کرد که عبارتند از: گروه اول: گروه نخست شامل ملی‌گرایان و ناسیونالیست‌ها می‌شود؛ آن‌ها مخالف صدور انقلاب بودند و معتقدند انقلاب فقط در چهارچوب مرزهای ملی قابل پذیرش است و باید از ایجاد حساسیت جهانی دوری کرد. گروه دوم: این گروه انقلابیون را در بر می‌گیرد؛ که دیدگاهی ایدئولوژیک و آرمان‌گرا بود و با شعار اسلام‌مرز نمی‌شناسد و دارای رسالت جهانی است، به دنبال گسترش افکار و ایده‌های انقلابی حتی به قیمت اعمال زور و خشونت بودند. گروه سوم: این گروه را می‌توان یک دیدگاه میانه‌رو و واقع‌گرا دانست؛ این دیدگاه معتقد است که اول باید در داخل یک جامعه نمونه و الگو بسازیم تا دیگران از آن الگوبرداری کنند (محمدی، 1385: 61-66).

علاوه بر این دیدگاه‌ها، نظریه دیگری به نام «نظریه ام‌القرای اسلامی» مطرح است که توسط جواد لاریجانی مطرح شده است که در آن بر نقش ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلامی تأکید شده است. در واقع کشوری ام‌القرای جهان اسلام می‌شود که دارای لیاقت رهبری کل امت باشد و ملاک اصلی ولایت است نه موقعیت استراتژیکی و امثال آن و این کشور باید سطح رهبری خود را از مرزهای جغرافیای‌اش فراتر برد (صدقی، 1386: 81). براساس این دیدگاه ایران به عنوان رهبر کشورهای اسلامی شناخته می‌شود که برای نجات مظلومین، رهایی محرومین و گسترش اسلام تحت امر ولایت در خارج از مرزهای ملی فعالیت می‌کند و تأکید اولیه این دیدگاه بر جامعه داخلی است که لازم است به عنوان الگو و نمونه ساخته شود.

### 2-3- دیدگاه امام خمینی (ره) در مورد صدور انقلاب

ماهیت مکتب اسلام، جهانی است و منحصر به یک ملت، نژاد و سرزمین خاص نیست، آیات متعدد قرآنی و روایات مختلف نیز گواه بر جهانی بودن رسالت پیامبر اسلام (ص) می‌باشد، لذا امام خمینی نیز با شناخت عمیق و همه جانبه از اسلام و ابعاد انقلاب اسلامی و همچنین آگاهی و بصیرت کامل به شرایط زمانی و نظام حاکم بین‌المللی و شناخت دشمنان اسلام همواره با تأکید بر این رسالت، ضرورت صدور انقلاب را یادآوری می‌کردند (فرزندی اردکانی، 1386: 114). ایشان دیدگاه ملی‌گرایان که مخالف صدور انقلاب بودند را نفی کرده و صدور انقلاب را یک موضوع قطعی و غیرقابل خدشه دانستند و در این راستا فرمودند: ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله الاالله و محمد رسول‌الله بر تمام جهان طنین نیفتد مبارزه هست و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم» (امام خمینی، 1385، جلد 12: 148). امیدواریم که این نهضت به سایر بلاد اسلامی هم صدور پیدا بکند و این مکتب، مکتب همه مسلمین است و همه مستضعفین (امام خمینی، 1385، جلد 12: 399)، ... ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم، ما تصمیم گرفته‌ایم به لطف عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم و نظام اسلام رسول‌الله را در جهان استکبار ترویج نماییم (امام خمینی، 1385، جلد 21: 81).

امام خمینی (ره) همچنین دیدگاه افراطی و تند عناصر انقلابی یا به ظاهر انقلابی که شیوه چریکی، تجهیز تسلیحاتی جنبش‌های آزادی‌بخش برای سقوط حکومت‌ها را در نظر داشتند نفی کرده و فرمودند: اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمان را از خودمان می‌دانیم، همه کشورها باید در محل خودشان باشند ... معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودن که هستند و از اینکه همه مخازن آن‌ها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند، نجات بدهند (امام خمینی، 1385، جلد 13: 281). ما می‌خواهیم انقلابمان را ما صادر کنیم، نمی‌خواهیم با شمشیر باشد بلکه می‌خواهیم با تبلیغ باشد (امام خمینی، 1385، ج 18: 72). ما که می‌گوییم اسلام را می‌خواهیم صادر کنیم، معنایش این نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر، یک هم‌چون چیزی نه ما گفتیم و نه ما می‌توانیم، اما آن‌که ما می‌توانیم این است که به وسیله دستگاه‌هایی که داریم به وسیله همین صداوسیما، به وسیله مطبوعات به وسیله گروه‌هایی که به خارج می‌روند اسلام را آن‌طوری که هست معرفی کنیم، اگر آن‌طوری که هست معرفی بشود مورد قبول همه خواهد بود (امام خمینی، 1385، ج 12: 60-61). در مجموع حضرت امام (ره) برای صدور انقلاب با طرح موضوعاتی چون معرفی صحیح اسلام با

تبلیغات، عمل مطابق با اسلام، عمل و اخلاق، شناساندن انقلاب به دنیا، دعوت به اسلام، صدور ارزش‌های انسانی، آشناسازی مستضعفان با حکومت اسلامی را عامل و شیوه صدور انقلاب دانسته‌اند.

### 3- قرن حاضر قرن بیداری جهان اسلام است

در صدر اسلام پس از اینکه اسلام با تکیه بر قدرت معنوی و نفوذ در دل‌ها و قدرت نظامی، قدرت‌های بزرگ روم و ساسانیان را شکست داد و به سرعت گسترش پیدا کرد دیری نپایید که بخش عظیمی از دنیای متمدن آن زمان را در اختیار گرفت. علاوه بر آن دنیای فکر و اندیشه اسلامی نیز به موازات قدرت نظامی و اقتصادی در جهان اسلام گسترش پیدا کرد و این زمانی بود که اروپای متمدن آن دوران، دوران افول خود را طی می‌کرد. زمانی که تمدن اسلامی در اوج شهرت و معروفیت خود قرار گرفت، تمدن غرب در خواب فرو رفت به طرزیکه امروزه غربی‌ها از آن دوران به نام «عصر تاریکی» در غرب، یاد می‌کنند؛ زیرا در برابر اسلام، آنان چیزی برای ارائه کردن به جهان بشریت نداشتند. جنگ‌های صلیبی در حقیقت، پاتکی بود که غرب به جهان اسلام وارد آورد و اگر چه در طول دو قرن نتوانست آن چه را می‌خواست از نظر نظامی به دست بیاورد؛ ولی توانست خود را با فرهنگ و ادبیات و پیشرفت‌های فکری جهان اسلام به تدریج آشنا بکند و این خود زمینه‌ای برای بیداری غرب شد. دوره رنسانس برای غرب، در حقیقت، پشت سر گذاشتن عصر تاریکی و آغاز دوره‌ای بود که به آن «عصر روشنایی» می‌گویند.

بدین ترتیب تحت تأثیر جهان اسلام، غربی‌ها به تدریج توانستند پیشرفت‌های شگفتی را به وجود آورند و قرون 17 و 18 و 19 دوران شکوفایی جهان غرب بود و در این دوران است که متاسفانه جهان اسلام، تحت تأثیر دو عامل به خواب فرو رفت: یکی استعمار و استثمار بود که غرب در این منطقه مهم جغرافیایی و فکری انجام داد و دوم استبداد و انحرافات بود که حکام مسلمان در این دوران داشتند و راه انحراف از افکار و اندیشه‌های ناب اسلامی را طی کردند (آیتی؛ گرجی، 1391: 45).

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) سرآغاز تحولات نوین در جهان اسلام بوده و این خود نویدبخش این مهم می‌باشد که قرن حاضر قرن بیداری جهان اسلام است. به برکت قیام حضرت امام خمینی (ره) و پیروزی انقلاب اسلامی بود که مسلمانان در اقصی نقاط جهان به این باور دست یافتند که دوران تسلیم و خودباختگی عالم اسلام در برابر غرب به پایان رسیده و افق فراروی جهان اسلام بسیار روشن و امیدوار کننده است. بیداری اسلامی گرچه ادواری را پشت سر نهاده اما امروز دور جدیدی از این جنبش در سراسر جهان به چشم می‌خورد. تحولات افغانستان، عراق، لبنان و وقایع اخیر فلسطین اشغالی همه حکایت از بیداری عالم اسلام دارد. کشورهای اسلامی بایستی ضمن هوشیاری بیش از پیش با تقویت اتحاد و همبستگی میان خود استقلال جهان اسلام را در برابر غرب حفظ کنند (سالار، 1382: 56).

با گسترش روح بیداری اسلامی در اقصی نقاط جهان، در لبنان ملتی که در محرومیت نگه داشته شده بودند عده‌ای جوان با ایمان، اسرائیل را به زانو درآوردند و بدون دادن کوچک‌ترین امتیازی آن‌ها را وادار به فرار کردند. در افغانستان که معروف به گورستان امپراطوری‌هاست، بعد از آن که دولت‌های انگلیس و روسیه را به زانو درآورده اینک می‌رود تا امپراطوری آمریکا را هم به زانو درآورد. در ترکیه، الجزایر و سایر کشورهای اسلامی تنها بانگی که امروز بلند می‌شود، ندای اسلام است. در فلسطین اشغالی نیز انتفاضه امان را از صهیونیسم و امپریالیسم گرفته و اگر آمریکا امروز به فکر اشغال عراق است در واقع برای ضربه زدن به این بیداری و آگاهی است که مسلمانان پیدا کرده‌اند (ملکوتیان، 1382: 34).

### 3-1- ظرفیت تمدن‌سازی انقلاب اسلامی

آنچه واکنش غرب علیه ایران را برانگیخته، ظرفیت تمدن‌سازی انقلاب اسلامی و خیزش مجدد فرهنگ و تمدن اسلامی برگرفته از روح انقلاب در سطح جهان است. خصوصاً آن که خیزش اسلامی از نقاط مختلف جهان اسلام نیز فراتر رفته و روح بیداری اسلامی از آسیا گرفته تا آفریقا و آمریکای لاتین را نیز در نوردیده است. انقلاب اسلامی به‌عنوان پدیده‌ای که بر بنیاد ارزش‌های دین با تکیه بر روش‌ها و شیوه‌های نوین دموکراسی شکل گرفت و الگوی جدید از مقاومت و مبارزه با استعمار و استبداد را به نمایش گذاشت الگوی جدیدی از مدیریت در عرصه قدرت، سیاست و حاکمیت را متجلی و شکل نوینی از کارکرد تاریخی مزبور را بنا نهاد و نوع جدیدی از احیاء و بیداری فکری را سامان و هدایت کرد.

جمهوری اسلامی برای اولین بار اصطلاح «امت اسلامی» را به‌عنوان یک مفهوم انقلابی وارد ادبیات سیاسی جهان کرد. در همین چارچوب تفکر منطقه‌گرایی به‌شکل نوین را در دستورکار قرار داد و فرآیند تبدیل شدن به یک قدرت هژمون را پیشه کرد که امروز پس از سه دهه تلاش و بالندگی توانسته است به‌عنوان الگوی منطقه جایگاه خود را تعریف کند. الگویی که با وجود هژمون‌های برون‌زا و مداخله‌گر مزاحم توانست به تقویت موقعیت و توسعه نفوذ خود ادامه دهد و حوزه نفوذ منطقه‌ای خود را به حوزه جهانی اسلام ارتقا دهد. ایران در شرایط فعلی نظم نوینی را نوید می‌دهد که بنیادهای معادلات سیاسی و امنیتی موجود را در اشکال نرم و سخت با چالش‌های جدی و بی‌سابقه مواجه کرده است (رحمانی، 1393، 110).

### 3-2- آرمان انقلاب اسلامی: هویت‌یابی و بیداری جهان اسلام

تاریخ گواه است که حرکت ایرانیان در طول تاریخ همیشه همراه با تفکر و تأمل بوده و در صحنه جهانی حضوری آگاهانه داشته‌اند. بخش‌هایی از تاریخ ایران به‌خوبی نشان می‌دهد که ایرانیان در ادوار مختلف در عرصه‌های گوناگون سرآمد بودند و صراط‌ها و راه‌های جدیدی را نیز برای بشر نشان داده‌اند.

قبل از اسلام دنیا در دست دو امپراطوری روم و ساسانی بود و این دو قطب قدرتمند برای دنیا تعیین تکلیف می‌کردند. در دوران پس از اسلام ایرانیان که یکتاپرست بودند و به فنون اداره کشور آشنایی داشتند و از تمدن غنی نیز برخوردار بودند در مواجهه تفکر اسلامی با آغوش باز پذیرای آن شدند که حاکی از پختگی در نهان آن‌ها بود. ایرانیان تفکر اسلامی را مطابق فطرت خود یافتند و این مسئله در کنار برخی بی‌عدالتی‌ها و مسایل اجتماعی سبب شد روح بلند این ملت به‌سادگی اندیشه اسلامی را بپذیرد و هضم کند و تمدنی آراسته با تفکر اسلامی را ایجاد نماید. تمدن اسلامی در دوران حیات اجتماعی ایرانیان و در زمان علو اندیشه و فرهنگ اسلامی در این سرزمین باروری گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف یافت در حالی که در این برهه شاهد نوعی سکوت در علم و اندیشه غربی از قرن ششم تا دهم میلادی بودیم (آیتی؛ گرجی، 1391: 56).

در طول دو قرن دنیای اروپا تحت تأثیر متفکران اسلامی هم‌چون ابن‌سینا و ابن‌عربی قرار گرفت و نخله‌های مختلفی متأثر از این شخصیت‌های بزرگ ایجاد شد و تمدن اسلامی فروغ خود را در ساحت غرب گستراند و به‌مرور زمان، آن‌ها نیز در سایه اندیشه‌های عالمان اسلامی به رشد علمی دست یافتند اما در بلاد اسلامی به‌دلایل مختلف داخلی و خارجی حرکت بالنده دچار فرود شد و نتوانست مسیر خود را ادامه دهد. تمدن اسلامی تا آنجا از استحکام برخوردار بود که حتی افرادی چون مغول‌ها که توحش داشتند و به سرزمین ما حمله کردند تحت تعالیم برخی علمای دینی هم‌چون خواجه نصیرالدین طوسی دچار تحول فکری شدند و از آبخشور این اندیشه با صلابت نوشیدند. یکی دیگر از دوران ستایش

برانگیز در تمدن اسلامی ایران عهد صفویه است که البته این دوران را نیز نمی‌توان بی‌اشکال دانست. در عصر صفویه چند اقدام مهم هم‌چون ایجاد وحدت ملی در راستای دستیابی به ایران بزرگ و جمع‌آوری منابع اسلامی و اشاعه فرهنگ اهل بیت صورت گرفت که به دوره‌ای ممتاز در تاریخ ما بدل شد که امروز نیز همان مسیر پیموده می‌شود.

پس از عصر صفویه بار دیگر به دلایل داخلی، خارجی و شکل‌گیری تفکر استعماری در صحنه بین‌المللی تمدن اسلامی دچار رکود شد؛ اما جنبش مشروطه علامت خوبی بود که جرقه بیداری فکری را زد. علمای دینی، علمدار این تفکر بزرگ بودند که شرایط را تغییر می‌داد، اما جنبش مشروطه نیز در سایه تغییر شرایط رنگ باخت و به دلیل برخی تلاش‌های بیرونی و فعالیت‌های جریان غرب‌زده داخلی راه به بیراهه برد و همه تلاش‌های مصلحان اجتماعی و بزرگان دینی در این وادی بی‌دوام شد و کشور ما دچار دیکتاتوری سیاه گردید. پیروزی انقلاب اسلامی مقطع شکوهمند دیگری از تاریخ ایران است که بسیاری از وجوه ناقص ادوار قبل را در حرکتی تکاملی شکل جدیدی بخشید و امام خمینی (ره) به جای ایجاد امپراطوری به سبک گذشتگان سرزمین‌ها و قلب‌ها را به یکدیگر متصل کرد (گنجی ارجنکی، 1388: 67).

امروز شاهد ثمرات الهام‌بخش انقلاب اسلامی در تمامی نقاط دنیا هستیم؛ اما برخی کشورهای بهانه‌جو که در میان آن‌ها حتی کشورهای اسلامی نیز قرار دارند با چهل نسبت به ماهیت انقلاب اسلامی مدعی هستند که ایران بار دیگر دنبال امپراطوری است در حالی که انقلاب اسلامی به دنبال هویت‌یابی و بیداری جهان اسلام بوده و هیچ‌گاه در اندیشه گسترش سرزمین و امپراطوری نبوده است. مهم‌ترین مسئله انقلاب اسلامی بازگشت به هویت خویش بود و در سایه این نگرش استقلال در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شکل گرفت و موجی از افکار جدید ایجاد شد. از بدو پیروزی انقلاب اسلامی توجه به خودباوری و ایستادگی بر توانایی خود تحت رهبری داهیانه حضرت امام خمینی (ره) در درون جامعه ما سرایت کرد و اگر ایران امروز صاحب دانش و فناوری به‌ویژه فناوری‌های نوین مانند فناوری هوافضا و فناوری نانو است؛ این همه منوط به روح بیداری اسلامی و انقلابی در ملت ایران است.

#### 4- نقش انقلاب اسلامی در ظهور بیداری اسلامی

انقلاب اسلامی نقطه عطفی در احیای هویت دینی مسلمانان پدید آورد و با دفاع هشت ساله خود، تشیع و اسلام را در مرکز حوادث و اخبار جهانی قرار داد (پارسانیا، 1376: 354). این انقلاب در شرایطی به پیروزی رسید که جوامع اسلامی و مسلمانان در رکود و رخوت به سر می‌بردند. بررسی عملکرد سیاسی مسلمانان در جوامع اسلامی نشان می‌دهد که تا پیش از انقلاب، گروه‌های مختلف مسلمان در کشورهای مختلف غالباً در فعالیت‌های خود، اسلام و باورهای دینی را کنار گذاشته و مبنای حرکت خود را بر اساس مکاتب غربی استوار کرده بودند. تا قبل از قیام امام خمینی، شیعیان منطقه خاورمیانه فاقد سابقه مقاومت ستیزجویانه در برابر حکومت‌های زورگو بودند، آنان در بسیاری از موارد احساس می‌کردند در حاشیه قرار دارند؛ لیکن هیچ‌گاه شکایت و نارضایتی‌های خود را به صورت قیام و طغیان بروز ندادند و نیز نکوشیده بودند که از طریق کودتا، دولتی را سرنگون کنند. برخی از آنان حداکثر از طریق تظاهرات و ناآرامی به نفوذهای خارجی جامعه خود واکنش نشان می‌دادند. حتی در آن زمان نیز شیعیان به‌تنهایی عمل نمی‌کردند؛ بلکه بیشتر به‌عنوان بخشی از یک ائتلاف گسترده‌تر اپوزیسیون دست به عمل می‌زدند (محمدی، 1378: 200-201). در این میان حرکت امام (ره) به‌عنوان پرچمدار و بنیان‌گذار بیداری اسلامی پیش از انقلاب بر ضد جمود، سکون و سکوت مسلمانان شورید؛ ایشان گردوغبار اسلام را زدود و آن‌را از اسلام قشری و به‌دور از صحنه و سیاست به اسلام تحول‌آفرین و یاور مردم به‌خصوص محرومان مبدل کرد و این همانا حرکت احیاگرانه‌ای بود که امت اسلام نیاز مبرم به آن داشت. پیروزی انقلاب اسلامی نقطه آغاز

این تغییر و تحولات بود که جغرافیای جهان اسلام را وسعت بخشید و آن را به منظر آورد و به آن عمق فکری و استراتژیک بخشید و مسلمانان را از خواب غفلت به هوش آورد (الراشد، 1390: 34).

بنابراین با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جنبش بیداری اسلامی، وارد مرحله‌ای جدید شد و جهش توأم با عمق فکری را در جغرافیای اسلام به‌ویژه در میان توده‌ها و لایه‌های خفته جوامع اسلامی به‌وجود آورد. به‌گونه‌ای که بیداری اسلامی از حالت دفاع انفعالی خارج و در موضع تهاجم فکری و رفتاری قرار گرفت و در اشکال جریان‌ها و نهادهای سیاسی و حتی جنبش‌های مقاومت رخ عیان نمود. بیداری منتج از انرژی آزاد شده از انقلاب اسلامی که برای اولین بار در شکل یک نظام سیاسی ظاهر شد، به‌زودی به حوزه مدیریت سیاسی و دیپلماتیک وارد شد و سایر نظام‌های سیاسی جهان اسلام را متأثر کرد.

در شرایط کنونی حضور قدرتمند حرکت بیداری اسلامی با محوریت نظام جمهوری اسلامی ایران و کارکرد آن در شکل مردم‌سالاری دینی و تحت مدیریت جنبش‌ها و جریان‌های سیاسی و مقاومت، معادلات قدرت در روابط بین‌الملل را دچار تحول کرده است و در حال سامان دادن معادله جدیدی است که معارض با معادلات تعریف شده از سوی لیبرال دموکراسی به محوریت غرب است، از سوی دیگر انقلاب اسلامی، اسلام را به‌عنوان دینی جامع و متناسب با شرایط روز و دارای ایدئولوژی سیاسی عرضه کرد و به صدور معنویت به جهانیان، چهره واقعی اسلام ناب محمدی (ص) را ارائه کرد. به‌علاوه با ارائه الگوی عملی و نظری از جمهوری اسلامی و نیز ترغیب مسلمانان به همگرایی و وحدت اسلامی، توانست هویت سیاسی و دینی جدیدی براساس ارزش‌های دینی به مسلمانان ببخشد و با زنده نگه داشتن حضور مردم در عرصه‌های مختلف انقلاب، زمینه مشارکت و حق تعیین سرنوشت مردم را فراهم کند. انقلاب اسلامی از آن لحاظ که توانسته است آرمان‌های خود را به جهانیان عرضه کند و سردمدار جنبش نرم افزاری و قطب فرهنگی و علمی جهان اسلام شود و نیز به‌عنوان مرکز ثقل جهان اسلام، در گفتمان‌سازی، نظریه‌پردازی و ارائه اندیشه انقلابی به‌صورت جذاب، عملی، کارآمد و منطقی، توفیق نظری داشته است، هم‌چنین توانایی انقلاب در تلفیق دین و سیاست، سنت و مدرنیته، روشنفکری و دیانت، معنویت و مادیت، عدالت و آزادی، استقلال و امنیت قابل توجه است (دهشیری، 1382: 67). پدیده کم‌نظیر «مقاومت» در برابر استبداد داخلی و استعمار و صهیونیسم بین‌المللی، از آثار مهم انقلاب اسلامی است که جریان پیش‌روی که آرمان‌های انقلابی و اسلامی را به عمق جان ملت‌های عرب نفوذ داد و امروز به خیزش عظیم مردم تونس، مصر، الجزایر، اردن، لیبی و یمن، بحرین، عربستان منجر شده است. چنان‌که رئیس جمهوری سوریه منشأ قیام کنونی مردم در کشورهای عربی را انقلاب اسلامی ایران دانسته و در گفت‌گو با «وال استریت ژورنال» اشاره به تحولات مصر و تونس، اعلام می‌نماید: این یک عصر جدید است، اما اکنون آغاز نشده است، بلکه با انقلاب ایران (در سال 1979) آغاز شده است. بی‌تردید خیزشی که جهان عرب را در بر گرفته به تحولی بنیادین در منطقه خاورمیانه منتهی خواهد شد، تحولی که اسلام حرف اول را در آن می‌زند. حضرت امام (ره) با نگرش ژرفی که به شرایط دنیای امروز داشت و با آینده‌نگری عمیق خود، علاوه بر فروپاشی شوروی و بلوک کمونیسم، زوال اردوگاه سرمایه‌داری غرب را نیز پیش‌بینی کرده بود.

یکی از برجسته‌ترین عملکردهای انقلاب اسلامی، مبارزه با مظهر استکبار؛ یعنی صهیونیسم است. صهیونیسم جنبه توسعه‌طلبی و برتری‌طلبی نژادی مورد نفرت و مخالفت کشورهای منطقه قرار گرفته بود، لیکن پیش از انقلاب اسلامی ایران، بیشتر کشورهای عرب بر مبنای ایدئولوژی پان عربیستی به مقابله با صهیونیسم پرداخته بودند و مسئله فلسطین را یک مسئله ارضی و سرزمینی قلمداد می‌کردند. انقلاب اسلامی توانست نشان دهد که مسئله فلسطین، مسئله‌ای مربوط



به کل جهان اسلام است که بایستی همه ملت‌ها با اتکای به آرمان‌های اسلامی و انقلابی خود و در جهت مقابله با ریشه فساد تلاش کنند. از این‌رو امام (ره)، مسئله را از بعد ملی و ناسیونالیستی عرب خارج کرد و به آن چهره‌های اسلامی بخشید. در این راستا، ایشان روز قدس را به‌عنوان روزی که در آن مسلمانان علیه ایادی امپریالیسم در منطقه یعنی صهیونیسم به مخالفت بر می‌خیزند، اعلام کرد. از سوی دیگر، انقلاب اسلامی اسلام را به‌عنوان دینی جامع و متناسب با شرایط روز و دارای ایدئولوژی سیاسی عرضه کرد و به‌صورت معنویت به جهانیان، چهره واقعی اسلام ناب محمدی (ص) را ارایه کرد. به‌علاوه با ارایه الگوی عملی و نظری از جمهوری اسلامی و نیز ترغیب مسلمانان به همگرایی و وحدت اسلامی، توانست هویت سیاسی و دینی جدیدی براساس ارزش‌های دینی به مسلمانان ببخشد و با زنده نگه داشتن حضور مردم در عرصه‌های مختلف انقلاب، زمینه مشارکت و حق تعیین سرنوشت مردم را فراهم کند (درگاهی، 1381: 87).

هم‌چنین انقلاب اسلامی با اهتمام به استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و بیداری جهان اسلام، پیام خویش را مبنی بر ساختن دنیایی امن توأم با صفا و صمیمیت برای انسان‌ها ارایه و زمینه‌ای را فراهم کرد که انسان‌ها بتوانند با بهره‌مندی از معنویت، استقلال و آزادی، توجه به خدا، براساس تعالیم مبتنی بر فطرت پاک بشری دنیایی پر از صلح، عدالت و معنویت را رقم زنند. در واقع انقلاب اسلامی نظریه‌های انقلاب را متحول کرد. تا پیش از انقلاب اسلامی نظریه‌های انقلاب برای سرنگونی نظام حکومتی بیشتر بر روش‌های خشونت‌آمیز تأکید می‌کرد، در حالی که انقلاب اسلامی، انقلابی متکی بر وحدت و حضور ملت بود. از طرف دیگر بیشتر انقلاب‌ها در آن زمان یا ناسیونالیستی بودند و یا سوسیالیستی؛ یعنی یا بیشتر براساس استقلال‌طلبی و استعمارزدایی بودند و یا براساس عدالت‌جویی مبتنی بر مکتب مارکسیسم. انقلاب اسلامی که بر بعد فرهنگی تأکید می‌کرد، وجهه جدیدی را در میان انقلاب‌ها رقم زد و این فرهنگ در تعامل با تمدن غنی اسلامی بود. وجود چنین هویت تمدنی، سبب شد که یک جنبش بازگشت به خویشتن در میان ملت‌های مسلمان پدید آید که از این لحاظ در نوع خود بی‌نظیر بود؛ زیرا برای مقابله با ایدئولوژی‌های وارداتی و یا سلطه‌جویانه احیا و بازسازی اندیشه و تمدن اسلامی را مدنظر قرار گرفت؛ بنابراین از این لحاظ که یک نگاه فرهنگی به قدرت نرم‌افزاری انقلاب اسلامی شد، در نظریه‌های بین‌المللی تحول عظیمی صورت گرفت.

از طرف دیگر انقلاب اسلامی از آن لحاظ که انقلابی مابین مرحله مدرنیته و فرامدرنیته بود، توانست به‌عنوان الگویی برای تلفیق سنت و مدرنیته و نیز الگوی مقابله با مظاهر مدرنیسم غربی از قبیل: اومانیسیم، سکولاریسم و ماتریالیسم قرار گیرد و در نتیجه توانست در عین اخذ جنبه‌های مثبت تمدن غرب، ارزش‌های اسلامی را هم به آن بیافزاید و در نهایت وحدت در ارزش‌های اسلامی و کثرت در تکنولوژی‌ها و شیوه‌های اعمال و اجرای آن ارزش‌ها را به‌منصه ظهور برساند. تا پیش از انقلاب نظریه‌پردازان بیشتر با نگاه مدرنیته به انقلاب‌ها نگاه می‌کردند، یعنی انقلاب در جهت مدرن شدن و نو شدن تلقی می‌شد؛ در حالی که انقلاب اسلامی نه‌تنها با مظاهر مدرنیسم غربی به مقابله پرداخت، بلکه جنبش بازگشت به خویشتن را مطرح کرد. البته این بدان معنا نیست که ما با تکنولوژی‌های ارتباطی و فن‌آوری‌های روز مخالف باشیم. امام (ره) در آن زمان اعلام کرد: ما با سینما مخالف نیستیم، بلکه با فساد و فحشا مخالفیم.

بنابراین هدف انقلاب این بود که ضمن بهره‌گیری از تکنولوژی‌های مدرن روز، در جهت توجه بیشتر به اندیشه و تفکرات بومی تلاش کند. از این‌رو انقلاب اسلامی تأثیر عمیقی بر نظریه‌های غربی گذاشت، که بعضی از نظریه‌پردازان با بیان انقلابی به‌نام خدا، بر جنبه‌های معنویت‌گرایانه و حق‌طلبانه انقلاب اسلامی تأکید کردند. انقلاب اسلامی انقلابی بود که ریشه در باورها و اعتقاد مردم مسلمان ایران داشت و از این لحاظ، به ایدئولوژی‌سازی و ایدئولوژی‌پردازی در آن نیاز

نداشت. انقلاب اسلامی براساس بسترها و بافت‌های بومی شکل گرفته بود و از این رو لازم نبود که ایدئولوژی نوینی را به مردم تزریق کند. چون مردم با اسلام خو گرفته بودند، با همان باورها و ساختارهای ذهنی به مقابله با رژیم پادشاهی پرداختند که درصد اسلام‌زدایی برآمده بود. ولی در عین حال خصوصیت عمده انقلاب اسلامی این بود که یک نهضت نرم افزاری بود؛ به این معنا که هم می‌توانست در جهت احیا و بازسازی تفکر دینی عمل کند و هم در جهت ارائه یک شیوه جدیدی برای حکومت و حاکمیت که از آن به مردم سالاری دینی تعبیر می‌شود (خسروی، 1379: 124).

## 5- بیداری اسلامی باعث شکست آمریکا

در واقع امروز جنبش‌های مردمی در کشورهای مختلف در سطوح و ابعاد جدی در حال فعالیت هستند و بعضا نیز نقش گسترده‌تر از دولت‌های ملی را در عرصه بین‌المللی بازی می‌کنند و تاثیر قابل توجهی بر روند تحولات جهانی می‌گذارند. یک گروه اندک با تعداد کمی از نیروی انسانی با تکیه بر توانایی ایدئولوژیک و قدرت ایمان می‌توانند قدرت‌های بزرگی را فراری دهند و آن‌ها را به زانو درآورند. جمهوری اسلامی باید در جهت دادن به بیداری و احیای تفکر اسلامی نقش هدایت کننده را داشته باشد و ضمن مقابله با حرکت‌های انحرافی در جهت وحدت اسلامی و حمایت از نهضت‌های اصیل اسلامی تلاش نماید. در سایه بیداری اسلامی است که با برنامه‌ریزی صحیح و گسترده می‌توان در خنثی‌سازی طرح خاورمیانه بزرگ نقش آفرینی نمود.

بیداری اسلامی نقش ویژه‌ای در حرکت ملل مسلمان ایفا کرده است. انقلاب اسلامی که خود معلول حرکت بیداری اسلامی است در یک حرکت متکی به اراده عمومی، تمامی زیرساخت‌های سیاسی، اجتماعی و فکری کشورهای استعمارگر را دگرگون کرد و در یک زایش تاریخی الگویی مقتدر و هوشمند را ارائه کرد (صادقی، 1389: 156). آن‌چه که امروزه باعث شکست سیاست‌های یک‌جانبه آمریکا در خاورمیانه و آفریقا و حتی در کشورهای حوزه آمریکای لاتین شده موج بیداری اسلامی است که روزبه‌روز در میان اقشار مختلف اعم از جوانان و دانشگاہیان نمود بیشتری پیدا می‌کند

## 5-1- آمریکا و تقابل با بیداری اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان محور خیزش و بیداری اسلامی در عرصه جهانی مطرح شد. در این میان که خاورمیانه در طول چهار قرن گذشته جولان‌گاه یک‌تازی قدرت‌های استعماری غربی بوده است؛ اینک با الهام از انقلاب اسلامی به پا خاسته و به تقابل با غرب و به‌ویژه آمریکا برخاسته است. حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان از سوی جمهوری اسلامی باعث شد تا منافع مستکبران غرب و شرق خصوصا آمریکا در نقاط مختلف جهان هر چه بیشتر و جدی‌تر لطمه بخورد.

در دوران پس از پیروزی انقلاب استراتژیست‌های آمریکایی به نبرد با انقلاب اسلامی ایران پرداختند تا بدین وسیله سدی در مقابل شیوع اسلام ایجاد کنند و پروژه صدور و نهادینه نمودن انقلاب را ناکام گردانند.

نمونه بارز این مسئله جنگ سی‌وسه روزه میان دلاورمردان حزب ا. با رژیم اشغالگر قدس می‌باشد. قضیه لبنان و بیرون راندن اسرائیل از اراضی اشغالی در واقع زنگ خطری برای آمریکا و هم‌پیمانانش بود تا مبادا موج اسلام‌گرایی، منافع آن‌ها در سطح جهان را تهدید نماید و موجبات سرخوردگی آن‌ها را در میان ملت‌های جهان فراهم آورد.

حزب ا. با یک تفکر متأثر از انقلاب اسلامی و حمایت‌های مادی و معنوی جمهوری اسلامی ایران به جایگاه و رشد قابل توجهی در میان مردم لبنان دست یافت و توانست آن‌گونه که باید در راه تحقق آرمان‌ها و اهداف اسلامی گام بردارد (صادقی، 1389: 156). فارغ از این نمونه نیز باید اشاره کنیم که آمریکا با طرح موضوعاتی هم‌چون خاورمیانه بزرگ و

استفاده از اهرم‌های تبلیغاتی مثل مبارزه با تروریسم روزبه‌روز سطح درگیری‌اش را با این خیزش و موج اسلامی افزایش می‌دهد و قصد دارد این سیاست‌ها را هر چه قدرتمندانه‌تر برای سرکوب حرکت‌های اسلامی و تقابل با اسلام سیاسی و ترویج نظام فرهنگی سکولار به کار گیرد.

### نتیجه‌گیری

یکی از اصلی‌ترین شعارهای انقلاب اسلامی به‌رهبری امام خمینی (ره)، که نشانگر ماهیت جهانی نظام جمهوری اسلامی می‌باشد؛ بحث صدور انقلاب است. انقلاب اسلامی ایران در حقیقت برآمده از یک اندیشه جامع و والاست که به قوم و یا محدوده جغرافیایی خاصی تعلق ندارد و از این‌روست که ارزش‌های این انقلاب می‌تواند سایر جوامع و ملل، علی‌الخصوص مسلمانان را تحت تأثیر قرار دهد؛ از آن‌جایی که هدف اساسی از طرح اصلی صدور انقلاب این بوده است که ملت‌های محروم، مستضعف و مخصوصاً جهان اسلام و کشورهای اسلامی، از آموزه‌های الهی انقلاب اسلامی بهره‌جسته و به سلطه دیکتاتورها، امپریالیسم و استکبار پایان دهند. لذا نظام اسلامی، از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، اساس و پایه صدور انقلاب خود را به این قرار داده بود که با الگوسازی و آموزش و تبلیغ بدون دخالت در امور داخلی سایر کشورها و جوامع، زمینه خودجوش خیزش و حرکت ملت‌های مسلمان را فراهم آورد، از این‌رو بسیاری از ملت‌های مسلمان با الگوگیری از این انقلاب متناسب با شرایط جوامع خود نسبت به بهره‌گیری از مولفه‌های به‌کار گرفته شده در آن پرداختند. رهبری قیام‌ها توسط علمای دینی و نقش تعیین‌کننده نهادهای مذهبی در جامعه از جمله مسایلی است که تا پیش از انقلاب ایران از جایگاه پر رنگی در جوامع اسلامی برخوردار نبود؛ ولیکن پس از موفقیت رهبری امام خمینی (ره) در ایران بود که رهبری دینی بار دیگر جایگاه خود را در جوامع اسلامی پیدا کرد.

از سوی دیگر تأثیر سرایتی ناشی از انقلاب اسلامی ایران به افزایش انتظارات ملت‌های منطقه از حکومت‌هایشان منجر شد؛ بعد از انقلاب و برپایی نظام جمهوری اسلامی براساس خواست مردم بسیاری از ملت‌ها با مزایای شیوه زندگی بهتر آشنا شدند و انقلاب اسلامی برخلاف سایر حرکت‌های مسلمانان علاوه‌بر جنبه سلبی که به‌شکل سرنگونی حکومت طاغوت نمود پیدا کرد؛ در جنبه ایجابی با ارائه الگوی مردم‌سالاری دینی توانست قدرت اسلام را در اداره جامعه به اثبات برساند.

بیداری اسلامی به‌عنوان یک آگاهی جمعی با تکیه به اراده عمومی و متأثر از اسلام اصیل تحت مدیریت جمهوری اسلامی در شرایط کنونی تبدیل به رفتار سیاسی شده و در شکل یک ایده سیاسی سامان داده شده است. تئوریزه شدن این نهضت فکری مرحله فرمولیته‌ای را پشت سر گذاشته و به‌عنوان یک مدل سیاسی رخ نموده است. به‌طوری‌که، شرایط کاملاً نسبت به یک دهه گذشته متحول شده است. وضعیت معادلات منطقه در حرکت رو به پیش خود همسو با منافع و مصالح اسلام و جنبش‌های اسلامی و کاملاً به‌ضرر غرب در حال رقم خوردن است. این موج فزاینده نهضتی، در صدد شکستن موانع نهضتی غرب برای رسیدن به یک جامعه دین‌محور است.

این مسئله خود باعث تغییر موازنه قدرت در میان جنبش‌های اسلام‌گرا به‌نفع جنبش‌های شیعه با پشتوانه فرهنگی انقلاب اسلامی شده است. نکته پایانی این که جبهه‌بندی فکری و رفتار سیاسی جدیدی میان جریان‌ها و جنبش‌های اصیل اسلامی با آمریکا و جریان‌های وابسته به آن شکل گرفته است و یک نوع نبرد فرهنگی و عقیدتی و سیاسی با آمریکا رخ عیان کرده است. جهان اسلام با غرب در مرحله فینال نبرد به سر می‌برد، مرحله‌ای سرنوشت‌ساز که نیاز به درایت و مدیریت هنرمندانه و خودمحور دارد. غرب به‌عنوان نماد جبهه لیبرالیسم در مرحله نهایی کارکرد سیاسی و

مدیریتی‌اش قرار دارد و در نقطه اوج منحنی رشد خود، دوران افول را آغاز کرده است. به‌همین دلیل در موضع دفاع انفعالی قرار دارد اما نهضت بیداری، در آغاز خیزش انقلابی، به‌سرعت حرکت تکاملی را تجربه می‌کند، حرکتی که هر چه پیش می‌رود به چشم‌انداز آرمانی خود نزدیک می‌شود و به‌همین دلیل بر عکس لیبرالیسم و جبهه غرب که در تمام ابعاد سیاسی، فکری و حتی نظامی در موضع نقد و تهاجم مدبرانه قرار دارد، بیداری اسلامی با اعتماد به‌نفس تام در حال ویران‌سازی بنیادهای سیاسی و حقوقی دست‌ساز غرب در منطقه است.



## منابع

1. آیتی، محمد ابراهیم؛ گرجی، ابوالقاسم (1391)، **تاریخ پیامبر اسلام**، تهران: دانشگاه تهران.
2. امام خمینی، سیدروح الله (1385)، **صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (ص)**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد 12.
3. الراشد، راشد (1390)، **بیداری اسلامی** نگاهی به موانع مطالبات، **خلاصه مقالات همایش بیداری اسلامی**، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
4. خسروی، احمد علی (1379)، **بررسی استراتژی امام خمینی در رهبری انقلاب اسلامی**، قم: انتشارات پیک جلال.
5. درگاهی، علی عمران (1381)، **انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در جهان**، نیروی مقاومت بسیج، تهران.
6. دهشیری، محمدرضا (1382)، **امت‌سازی در پروژه انقلاب**، **ماهنامه زمانه**، شماره 17، بهمن.
7. دهقانی فیروزآبادی، جلال؛ رادفر، فیروزه (1388)، **الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم، دانش سیاسی**، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان.
8. رضانی، روح الله (1388)، **صدور انقلاب ایران: سیاست اهداف و وسایل**، در **جان ال اسپوزیتو**، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، تهران: بازشناسی اسلام و ایران، چاپ سوم.
9. رحمانی واسوکلائی، محسن (1393)، **الگوهای رقابت راهبردی ایران و عربستان و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران**، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز.
10. سالار، محمد (1382)، **انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های فرهنگی**، **مجله اندیشه انقلاب اسلامی**، شماره 5، بهار.
11. صادقی، سعید (1389)، **تئوری‌های انقلاب**، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
12. صدقی، ابوالفضل (1386)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تا سال 1368**، تهران: مرکز استاد انقلاب اسلامی.
13. فرزندی اردکانی، عباسعلی (1386)، **مبانی نظری صدور انقلاب از منظر امام خمینی (ره)**، چرایی، اهمیت و ضرورت صدور انقلاب، **پژوهشنامه متین**، شماره 36، تابستان.
14. فراتی، عبدالوهاب (1379)، **رهیافت نظری به انقلاب اسلامی**، قم: دفتر نشر معارف.
15. گنجی ارجنکی، عبدالله (1388)، **موج سوم بیداری اسلامی**، تهران: اندیشه سازان نور.
16. محمدی، منوچهر (1385)، **بازتاب جهانی انقلاب اسلامی**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ارشاد اسلامی.
17. ملکوتیان، مصطفی (1382)، **تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران**، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، شماره 61.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی